

بازی با اشباح

کیت گری
ترجمه‌ی شقایق قندهاری



موسسه‌ی
نشر پنجره



موسسه‌ی نشر پنجره

بازی با اشباح

نوشته‌ی کیت گری

ترجمه‌ی شقایق قندهاری

ویراستار: فاطمه ستوده

حروف‌چینی: پنجره

زیر نظر شورای بررسی

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

چاپ اول: بهار ۹۱

لیتوگرافی: کارا

چاپ و صحافی: معاصر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۲-۲۵۰-۶

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

سرشناسه: گری، کیت

Gray, Keith

عنوان و نام پدیدآور: بازی با اشباح / نوشته‌ی کیت گری

ترجمه‌ی شقایق قندهاری.

مشخصات نشر: تهران: پنجره، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۲-۲۵۰-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Ghosting

موضوع: داستان‌های گرناهی پلیسی -- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: قندهاری، شقایق، ۱۳۵۵ - . مترجم

رده‌بندی کنگره: PZ ۳ / ج۲۲۷ / ۱۳۹۰

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۴۲۳۲۱

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان ایوریجان، کوچه‌ی رازی، شماره‌ی ۲۲

تلفن: ۰۶۶۴۱۶۹۲۷-۸ • دورنگار: ۰۶۶۴۰۲۵۴۲ • صندوق پستی: ۱۳۱۸۵-۲۱۷

فروشگاه: بزرگراه نواب، میدان بریانک، روبه‌روی پارک هفت‌چنار

شهر کتاب هفت‌چنار • تلفن: ۰۵۷۷۹۲۵۵

فهرست

۴	 درباره‌ی نویسنده
۵	 یادداشت نویسنده
۷	 خانه‌ی کوی ترن
۱۵	 بازی با اشباح
۲۳	 روباه و عکس‌ها
۲۹	 واقعاً چه اتفاقی افتاد
۳۵	 جلسه‌ی خصوصی بازی با اشباح
۴۳	 آن سوی در
۴۹	 انگشت حلقه
۵۳	 ترس مرگبار
۵۹	 در هم شکسته

درباره‌ی نویسنده

کیت گری متولد انگلیس است. در دوران ابتدایی از کتاب‌خوانی دوری می‌کرد، چون به خیالش کتاب خواندن هم مثل تکلیف درسی بود. اما با خواندن رمان دستگاه «توب‌انداز» نوشته‌ی رابرت ویتال عاشق کتاب خواندن شد و پس از مدتی متوجه شد که به نوشتن هم علاقه دارد. به این ترتیب خیلی زود فهمید که می‌خواهد نویسنده شود. به قول خودش، چون در مدرسه نمره‌های خوبی نمی‌آورد، موفق نشد در دانشگاه رشته‌ی مورد علاقه‌اش، یعنی ادبیات انگلیسی، را ادامه دهد. کیت بیست و چهار سال داشت که اولین رمان نوجوانش به چاپ رسید. او در زندگی‌اش کارهای بسیار متفاوتی را تجربه کرده است؛ مدتی به عنوان پیشخدمت رستوران، راننده‌ی کامیون، منشی و... کار کرده است. البته او حالا در دانشگاه درس می‌دهد. برخی از آثار کودک و نوجوان او جوایزی را به خود اختصاص داده‌اند.

یادداشت نویسنده

امیدوارم این داستان شما را جربساند.

اولین بار ایده‌ی این داستان زمانی به ذهنم رسید که مشغول خواندن مطلبی درباره‌ی نمایش‌های سحر و جادو در عصر ویکتوریا بودم. در این نمایش‌ها مردم را با ارّه از وسط صفت نمی‌کردند و از توی کلاه هم خرگوش بیرون نمی‌کشیدند. در عوض آن‌ها نقشِ مدیوم یا همان واسطه‌های قلابی را اجرا می‌کردند. واسطه یا همان مدیوم کسی است که می‌گوید می‌تواند با اشباح ارتباط برقرار کند و با مرده‌ها حرف بزند. همین واسطه‌ها برای این که اشباح قلابی جلوی چشم شما ظاهر شوند، از شگردهای جادویی استفاده می‌کنند.

دلم می‌خواهد فکر کنم که آن همه حيله و ترفند جادویی مرا فریب نداده است. من به اشباح و این جور چیزها که شب‌ها بی‌هوا ظاهر می‌شوند، اعتقاد ندارم. به هیچ کدامش اعتقادی ندارم. اگر نظر مرا بخواهید، می‌گویم همه‌اش داستان ساختگی است.

پس به این ترتیب واقعاً باورم نمی‌شود که بعضی آدم‌ها بتوانند با مرده‌ها صحبت کنند. شاید آن‌ها اسم خودشان را مدیوم یا همان واسطه بگذارند، اما اگر از من پرسید، می‌گویم آن‌ها هنرمندهای شیاد و فریبکاری‌اند.

من که فکر می‌کنم اصلاً چنین چیزهایی وجود ندارد. همین و بس. این نظر من است.

ولی اگر من اشتباه کرده باشم، چی...؟!